

بسم الله الرحمن الرحيم.

سلام عرض می‌کنم خدمت همه عزیزان پادکست‌های تلنگر. خب، اخیراً دیدیم که یک رژیم خیلی ضعیف و تضعیف‌شده به نام رژیم آمریکا داره خیلی قد می‌کشه، شاخ و شونه میکشه و خیلی حرف مفت زیاد میزنه. از سیاست‌های دوگانه‌ای که از یک طرف تهدید می‌کنه، از طرف دیگه نامه‌نگاری می‌کنه، تطمیع می‌کنه. بالاخره هر کاری از دستش برمیاد داره میکنه. ببینید، به تمام شاخص‌های واقعی اقتصادی، اجتماعی، بین‌المللی، داخلی و خارجی خود آمریکا نگاه کنید؛ آمریکا امروز ضعیف‌ترین حالت خودشو داره طی می‌کنه.

ولی یک اتفاقی داره میفته که این اتفاق قابل ملاحظه است. مردم ما، بسیاری از مردم ما، لاقلاً خیلی متأثر میشن از فضایی که ترامپ داره چی میگه، چی میخواد. اخبار رو به شدت دنبال می‌کنند و در مجموع، انگار یک مقداری خوف و وحشتشون از این جریان داره بالا میره. تمام اقدامات و حرف‌های او هم داره تاثیرات جدی، محسوس و ملموس روی یک سری بحث‌ها میذاره؛ از جمله دلار، از جمله اقتصاد ما، از جمله همه اتفاقاتی که قابل پیش‌بینی هم هست.

خب، اینجا چه اتفاقی افتاده؟ از زمان بوش پسر که شاید واقعاً در اوج اقتدار خودش بوده آمریکا، و مردم ایران به هیچ عنوان نمی‌انگاشتند آمریکا را؛ رسیدیم به آمریکایی که خودش به هیچ هم میشه حساب نکرد! ولی خب، داره یک مقداری این قداره‌کشی‌هایش، بعضاً در ذهن حتی مسئولین داره جواب میده. این نکته چیه؟ من اینجا لازم می‌دونم یک نکته مهم معارفی رو عرض بکنم.

روش و شیوه دشمن رو عرض بکنم که تو بازی او حتماً ما نباید قرار بگیریم، یعنی تو بازی او قرار بگیریم، کار تمامه. کافیه صحنه‌ای که او طراحی می‌کنه، ما دل بدیم، پا بدیم به همچین صحنه‌ای. خب، قصه چیه؟ ببینید، یک قصه‌ای هست در قرآن که همین نکته مهمه. من چند تا مثال براتون بزنم. شما چنانچه بتونید تخیل و باور طرف مقابلتون رو عوض کنید. انسان قبل از اینکه بخواد شهروند جامعه بیرونی خودش باشه، شهروند ذهن خودش، شهروند تحلیل‌های خودش. اگر بشه تحلیل و تخیل ذهن یک نفر رو عوض کرد، واقعاً میشه او رو به اوج رسوند یا حسیض دلت کوبید و خرابش کرد.

انسان از مار و عقرب واقعی نمی‌ترسه عزیزان! مهمترین چیزی که انسان رو می‌ترسونه، تصویر و تخیل عقربه. ممکنه شما یک مار یا عقربی کنار شما باشه، ولی شما هیچ ذهنیتی راجع بهش نداشته باشید. بچه‌ها که هیچ ذهنیتی ندارن، لذا نمی‌ترسند. ولی کافیه یک سوسک پلاستیکی کنار آدم باشه، طرف وحشت می‌کنه. چرا؟ به خاطر اینکه اون تصور ترسناک داره انسان رو می‌ترسونه. امروز یک سوسک پلاستیکی به نام آمریکا در کنار ما قرار گرفته و داره حرف مفت زیاد میزنه.

این حتی توی رد پاش، توی فلسفه هست، اگر کسای خواستن نگاه بکنن، میتونن بررسی بکنن. ما یک تقسیم‌بندی علم داریم به نام علم حصولی و حضوری. خوب که جلو میرن، پالایش می‌کنن، معنای علم رو میگن: اصلاً علم حصولی ما نداریم، علم حضوریه. علم اون چیزی که من میفهمم، فارغ از اینکه در خارج چه اتفاقی داره میفته.

من یک بحث معارفی رو خیلی مختصر عرض می‌کنم. ما یک بحثی داریم به نام سحر، یک بحثی داریم به نام معجزه. میگن "سحر با معجزه پهلوی نزنند، دل خوش دار". سحر چیه؟ معجزه چیه؟ سحر ببینید، یک عملیات واقعی نیست، یک عملیات تخیلیه. در اون ماجرای که در پیشگاه فرعون، ساحره‌های فرعون اون ریسمون‌ها رو ریختند و میخواستن یک ترس و وحشتی درست بکنن. قرآن اینجوری گزارش می‌کنه: "فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى" وقتی اینا ریسمون‌ها رو ریختند، به نظر میرسید مارهای واقعی هستن. خدا هم به موسی گفت: "وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى" موسی! تو هم عصایت رو ببندا. براز ببلعه، چی رو ببلعه؟ کید رو ببلعه نه ریسمان رو! عصا تبدیل شد به اژدها و همه سحرهای اون‌ها رو بلعید.

امروزه دشمن داره با کید سحرآلود رسانه‌ای کار می‌کنه. میدونید یکی از چیزهایی که یهودیان بهش رو آورده بودن، از همون ابتدا بحث سحر بود؛ نه یک کار واقعی، یک کار تخیلی. امروز معادل اونو با رسانه داره انجام میده. رسانه دقیقاً چیزی است که روی تخیل شما داره تاثیر میگذاره؛ خوب رو بد، بد رو خوب جلوه میده. پهلوان پنبه رو می‌کنه قدر قدرت. رسانه رو با تکرار و هنرنمایی‌های خودش انسان‌ها رو سحر میکنه.

دقیقاً معنی سحر اینه. معجزه چیه؟ معجزه کار تخیلی نیست، معجزه یک اقدام واقعیه. مثلاً عصای موسی واقعاً تبدیل به اژدها شد. این تفاوت کلی مسئله سحر با معجزه است. یکی از کارهایی که دشمن از همون ابتدا با رسانه‌های خودش می‌کنه، همین کاره.

ببینید وقتی که موسی اومده در مقابل فرعون قرار گرفت، دقت بکنید شما هرچی هم که باشید، فرعونم که باشید بر باورها باید مسلط باشید، باید بتونید دیکتاتوری ترین حالت را هم باید به باور مردم برسونید، ببینید قرآن چه جوری گزارش میکنه، عجیبه: "وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ" فریاد زد، یعنی تمام رسانه‌هاش رو بسیج کرد تا بگه: «آقا، من فرعونم! موسی چیه؟ مگه نمی‌بینید این آدم هیچ ثروتی نداره، هیچ مقامی نداره؟ "فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ" چرا با موسی ملک نیست چرا باهاش طلا نیست؟ منم که میبینید چه ثروت و مکنت‌هایی دارم!» قرآن میگه با همین حرفا استخفاف ایجاد کرد تو قوم خودش و مردم گفتن: «راست میگی! این آدم لیاقت حکومت کردن رو نداره».

یعنی جمهوری باورهاست! باید باورها رو به یک سمتی هدایت کرد. در ماجرای ساحره‌های فرعون، اون میتونست این کار رو تو گوشه‌ای انجام بده، ولی نکرد. چرا؟ چون میدونست باید باور مردم رو تحت تاثیر قرار بده. موسی هم همین کار رو کرد. روز جشن رو انتخاب کرد، تو استادיום صد هزار نفری، بین دو نیمه ساعت ۱۰ صبح. موسی باور داشت که باید رسانه خودش رو فعال کنه.

نمرود میخواست ابراهیم رو بسوزونه. ابراهیم یک نوجوان بت‌شکن بود. و خودش هم از یک خانواده اشرافی بود. مگه نمرود میتونس به راحتی اونو بکشه؟ چطور تونست اونو بکشه؟ چون روی باورها کار کرد. مسئله سوزوندن ابراهیم رو تبدیل به گفتمان کرد. "قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ" مردم گفتن اینو. مردم خواستن اینو. حتی وصیت می‌کردن بخشی از اموالشونو برای جمع‌آوری هیزم برای سوزوندن ابراهیم بذارن! این یعنی روایت‌سازی. دشمن امروز هم دنبال همین کاره. البته بدانید خدا هم دنبال همین کاره چون که اصل دعوا، دعوی روایتیه، اگر یه نفر پیشاپیش تو این زمینی که من دارم، دارم میرم تو این رینگ بوکس، من بازنده ام، حتما میبازه، حتی رجز خونی‌هایی که حریف‌ها برای هم دارن هم همین، میخوان دل هم دیگه رو خالی کنن. چون دل هم دیگه رو خالی کنن، تمومه. دیگه طرف تمام جرات خودش رو از دست میده.

امروز سیاستی که آمریکا داره با ما پیاده می‌کنه، سیاستش این است: کشتن ما از طریق خودکشی از ترس مرگ. یعنی می‌خواد ما خودمون بزنی خودمون رو بکشیم از ترس اینکه نمیریم! سیاست پیاده می‌کنه، یه عده هم دارن پاسخ مثبت می‌دن به همین سیاست. میاد دلار خودشو عرضه نمی‌کنه، می‌گه دلار گرون می‌شه. خب تو خودت داری دلار رو گرون می‌کنی! برای همین گفتن "إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ". شیطانی که می‌ترسونه، هر جنگ رسانه‌ای که دشمن امروز با ما می‌کنه، جنگ‌های روایتیه، جنگ‌های تخیلیه. اگر بتونه تو صحنه تخیل ما رو ببره، برده؛ اتفاقاً خدا هم همین کار رو میکنه، چون که اصل قصه اینه. شما ببینید در جنگ بدر خیلی جالبه، دو تا جنگ رسانه‌ای رو خدا اونجا نقل می‌کنه، یعنی دو تا آیه اینا رو نقل می‌کنه.

"وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَقُّتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ"

من یه کاری کردم اینا شما رو کم ببینن، شما هم اینا رو کم ببینید که چی بشه؟ که شما اینا رو کم ببینید بگید اگه اینه که خب می‌زنیم کارو تموم می‌کنیم. اینا هم شما رو کم ببینن که اون موقع شل شل بیان تو میدون. با دو تا خاصیت. من چشم‌بندی کردم، من خدا. برای چی؟ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا؟ بخاطر اینکه اون چیزی که باید انجام بشود، بشود. "وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاحْتِلَافَتُمْ فِي الْمِيعَادِ" اگه می‌خواستید قرار بذارید برید بجنگید، تصوراتونم تصوراتی درستی می‌بود، خب نمی‌رفتید بجنگید. من یه جور تصویرها رو عوض کردم، من خدا. قَدْ كَانَ

لَكُمْ آيَةٌ قَدْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَتَانِ التَّقَاتَا فِتْنَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أُخْرَى ۖ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ. یه کاری کرد در یه مقطعی اینها کم دیدن، وارد جنگ شدن. وارد جنگ شدن، خدا میگه یَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ، دو برابر دیدندا! عه؟ اول نصف دیده بودند، بعد دو برابر دیدن! یعنی در هر دوتاش واقعیت ندیدن. این جنگ رسانه‌ست. جنگ روایت.

در این جنگ روایت حواستون باشه، خیلی وقتا در همین تاریخ خودمون نگاه بکنید، همین داره جنگ روایت انجام می‌شه. تاریخ افغانستان رو نگاه بکنید. افغانستان ۱۰۰ ساله کشوره، یه ۳۰۰-۲۰۰ سال درگیری بوده و اینها. شما تو دوره محمد شاه که حول و حوش ۲۰۰ سال پیش که پدر ناصرالدین شاه محسوب می‌شه، شما جنگ‌هایی که با افغانستان و کامران میرزا اینا هست دنبال بکنید، می‌بینید اونجا داشت یه فتنه‌ای رو می‌خوابوند تو هرات. از این طرف بوشهر رو از دست داد. چرا؟ آن چه ربطی داره هرات به بوشهر؟ چرا از دست داد؟ هیچی، چون که انگلیس دید اگر این اتفاق اونجا بیفته نفوذ روسیه تو هند اضافه می‌شه، از این طرف گفت بیا حالا یه امتحانی هم بکنیم. از این رفت تو و خارک و فلان اینا، بعدش نامه نوشت به محمد شاه که چه نشسته‌ای که رهسپار شیراز و اصفهانیم، تمام شد! اصلاً نه زورش رو داشت نه قدرتش رو داشت و اراده اش رو. و تمام شد. از اون طرف محمد شاه با تمام اون در حقیقت رشادت‌هایی که کردند و رسیدن پشت هرات، همه رو جمع کردن اومدن.

سپاه امام حسین به اون عرض و طولش شدن ۷۲ نفر به خاطر یک شایعه، به خاطر جنگ روایت. بدونید ماها ممکنه واقعیت چیز دیگه‌ای باشه ولی تو جنگ روایت‌ها و باورهاست که ما داریم خطا می‌کنیم، عوض می‌شیم، یه کار دیگه‌ای می‌کنیم. این می‌شه شیوه جدید به خصوص برای قوم‌های ضعیف. ببینید کسایی که قوی‌ان کم رجز می‌خونن، یه کمی رجز می‌خونن؛ چون که می‌دونه بره تو زمین میزنه طرف رو لت و پار. اگر دیدید خیلی داره رسانه‌ش فعالیت می‌کنه، میگن سگی که پارس می‌کنه حمله نمی‌کنه. معلومه خیلی دیگه به چه کنم چه کنمی افتاده. و امروزه روزگاریست که اگه از این پیچ ما درست رد بشیم و فهم جنگ روایت بکنیم که قرآن اصلاً یکی از بحث‌هاش همینه.

وقتی که میگه خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ یعنی چی؟ یعنی اینکه معروفو بکن عرف، یعنی معروف رو با یک جنگ رسانه‌ای، با فضای رسانه‌ای، با رسانه‌سازی و عرف‌سازی این بشود عرف بشود، هنجار بشود، به تعبیر امروزیا گفتمان. گفتمان رو باید عوض کرد. شیطان کلیدش ضعیف است، إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. اینو باید شما بفهمید، انتقال بدید. تازه اضافه کنید بر اینکه ما یک سنن دیگه‌ای هم داریم. این جنگ را باید تا این حدش مال همه

کشورهاست. ما یک سنن دیگه‌ای هم داریم که تو اون سنن خودمون اگه حواسمون جمع بکنیم خدا با ما یک جور دیگری برخورد می‌کنه. این یک جنگ رسانه جدیدی هم تولید می‌کنه بدون اینکه آقا بنده ای که میرم توی نبرد، من تنها نمیرم تو نبرد. فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ. برای همینه میگه آقا شما دعوت به سازش نکن از سر سستی، شما برترید آقا! شما اینو قبول کن که برتری. خدا شما رو، اعمالتونو موتور و تک و تنها باقی نمی‌گذاره. این خودش تولید یک جنگ روایت واقعی یعنی ما اینها رو سننی نمیدونیم که حرفهای الکیه ولی حالا دل خوش خنک می‌خوایم به ملت به خورد ملت بدیم که شما اینا رو حواست باشه.

خلاصه می‌کنم ببینید عزیزان، جنگ امروز آمریکا با ما یک جنگ روایت، رسانه و باوره، یک جنگ تخیلیه. جنگی است که تو تخیله ولی تخیل خاصیتش اینه که رو آدم تاثیر می‌ذاره مثل تَطْيِر میمونه. اینجا اینم بگم حالا سر دستی تطیر می‌دونی یعنی چی؟ یعنی فال بد زدن، گونه‌ای از سحره خودش. فال بد زدن یعنی چی؟ یعنی من وقتی که بشینم بگم وای بدبخت اگه این کارو بکنم بدبختم، واقعا من بدبخت میشم. توضیح داره ان شاءالله توضیح جلسه بعد میدم. چند تا نمونه دیگه هم خدمتون عرض میکنم دَم همتون گرم، یا علی.